

**موضوع:** كتاب الإجارة/أركان الإجارة /معنای لغوی و اصطلاحی إجاره

بحث اخلاقی: خشیت الهی ثمره‌ی علم آموزی حقیقی؛ معنای ذکر کثیر

تغییر در سبک زندگی با تأکید بر دو توصیه‌ی اخلاقی: در این چند روزِ آغاز سال تحصیلی جدید دو نکته‌ی مهم را در درس مورد تذکر قرار دادیم که امیدواریم عمل به این نکات موجب اصلاح سبک زندگی ما بگردد.

1. خشیت الهی ثمره‌ی علم آموزی حقیقی:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول» به نقل از کتاب «کافی» از مرحوم کلینی این روایت را نقل می‎کند: «علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن حماد بن عثمان، عن الحارث بن المغيرة النصري، عن أبي عبد الله عليه‌السلام في قول الله عز وجل ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾[[1]](#footnote-1) قال يعني بالعلماء مَن صدَّقَ فعلُه قولَه ومَن لم يصدق فعلُه قولَه فليس بعالم.»[[2]](#footnote-2)

کلام علامه مجلسی در توضیح حدیث: «الحديث الثاني: صحيح. قوله تعالى ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ﴾ صريح الآية أن الخشية لا يصدر من غير العالم لكن يدل بحسب السياق أن الخشية من لوازم العلم لا تنفك عنه و عليه بناء الخبر كما تدل عليه الأخبار.

قوله عليه‌السلام: من صدق فعله، قيل: المراد بمن صدق فعله قوله من يكون ذا علم ومعرفة ثابتة مستقرة، استقرارا لا يغلبه معه هواه و المعرفة الثابتة المستقرة كما تدعو إلى القول و الإقرار باللسان تدعو إلى الفعل والعمل بالأركان، والعالم بهذا المعنى له خشية من ربه تؤديه إلى الإطاعة والانقياد قولا وفعلا.»[[3]](#footnote-3)

بیان استاد: همان طور که مرحوم علامه فرموده‌اند این حدیث صحیحه است یعنی سند آن معتبر و صحیح می‌باشد؛ وقتی از امام صادق(ع) از تفسیر آیه ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾ سؤال شد حضرت در جواب فرمودند: در این آیه مقصودِ خدای متعال از عالمی که خشوع واقعی را برای خدا دارد عالمی است که رفتار و عمل او تصدیق کننده‌ی گفتار و نصیحت او باشد و إلا نام چنین کسی را نمی‌توان عالم گذاشت؛ در این آیه از ادوات حصر استفاده شده است و نتیجه‌ی چنین استعمالی آن است که فقط بندگان عالم استعدادِ خشوع و فرمانبرداری واقعی را در مقابل پروردگار عالم دارند و اگر کسی خود را عالم معرفی کند ولی نشانه‌ی خشوع در او نباشد چنین کسی اصلا عالم نیست، اگر کسی از روی علم و توجه به مردم بگوید که دروغ نگویید! نماز بخوانید! روزه بگیرید! به دیگران ظلم نکنید! و خودش نیز به این گفتار عمل کند او عند الله و عند اهل البیت(ع) عالم واقعی است.

مرحوم علامه مجلسی در تفسیر این آیه‎ی کریمه می‌فرماید: این آیه صریح است در نفی خشوع در مقابل خدا از غیر عالم، لکن سیاق این آیه می‌رساند که خشوع در مقابل پرودگار از لوازم علم است و هرگز از آن جدا نمی‌شود و بر همین اساس که خشوع از علم واقعی جدایی پذیر نیست این روایت بنا شده است و سایر اخبار نیز بر همین مضمون دلالت دارند.

در ادامه، مرحوم علامه می‌فرماید: مقصود امام(ع) از این که فعل عالم تصدیق کننده‌ی قول اوست این است که اگر کسی یک علم و معرفت ثابت و مستقر در خود داشته باشد علمی که به همراه آن هوا و هوس نباشد چنین علمی صاحب خود را در مقابل خدا به تواضع و خشوع وا‌می‌دارد؛ یک معرفت ثابت و عمیق همان طور که صاحب خود را به اقرار کلامی و اعتراف به حق وا‌می‌دارد همان طور هم صاحب خود را به رفتار و عمل متناسب با گفتارش دعوت می‌کند و اگر کسی به چنین معنایی عالم شود روحیه‌ای در او پدیدار می‌شود که او را به اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال در زبان و عمل وادار می‌کند.

هر کدام از ما سال‎های زیادی از عمر خودمان را در مسیر علم آموزی سپری کرده‌ایم و به هر حال به ما عالم دینی گفته می‌شود و لازم است چنان رفتاری از ما سر بزند که در شأن یک عالم دینی است و در صف اول لبیک گویان به اوامر الهی قرار بگیریم و عمل ما باید تصدیق کننده‌ی این ادعای ما باشد که خود را عالم دینی می‎دانیم و دیگران نیز چنین انتظاری از ما دارند، پس دو نوع عالم است؛ عالم بی‌عمل و عالم باعمل؛ این فضائل گفته شده برای علماء، مقصود عالم با عمل است، در تأیید این مطلب روایات ارزشمند دیگری را مورد توجه قرار می‌دهیم:

\*«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ؛ وَعَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسى، عَنِ الْقَدَّاحِعَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه‌السلام ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً، سَلَكَ اللهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لِطَالِبِ الْعِلْمِ رِضاً بِهِ، وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لِطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ، وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ؛ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَاراً وَلَا دِرْهَماً، وَلكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ ، أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ.»[[4]](#footnote-4)

«رسول خدا(ص) فرمود: كسى كه در راهى رود كه در آن دانشى جويد خدا او را براهى سوى بهشت برد، همانا، فرشتگان با خرسندى بالهاى خويش براه دانشجو فرونهند و اهل زمين و آسمان تا برسد بماهيان دريا براى دانشجو آمرزش طلبند و برترى عالم بر عابد مانند برترى ماه شب چهارده است بر ستارگان ديگر و علماء وارث پيمبرانند زيرا پيمبران پول طلا و نقره بجاى نگذارند بلكه دانش بجاى گذارند، هر كه از دانش ايشان برگيرد بهره فراوانى گرفته است.»[[5]](#footnote-5)

بیان استاد: شأن و جایگاه أهل علم، جایگاه رفیعی است و بی‎جهت نیست که ملائکه‌ی الهی چنین احترامی به اهل علم می‌گذارند، چنانچه در این روایت وارد شده است ملائکه بال و پر خود را زیر پای اهل علم می‌گسترانند تا پای خود را روی زمین نگذارند و این چنین در پاسداشت علماء عمل می‎کنند؛ در این روایت مَثَل یک عالم نسبت به سایر مردم تشبیه شده است به مَثَل ماه شب چهارده نسبت به سایر ستاره‎ها، همان طور که ماه شب چهارده در آسمان درخشش و بزرگی ویژه‌ای دارد و سایر ستاره‌ها مانند نقاط کوچک نورانی به نظر می‌آیند یک عالم با عمل نیز چنین جایگاهی در بین مردم دارد و به همین جهت است که هم اهل زمین و موجوداتی که در خشکی زندگی می‌کنند و هم اهل آسمان و هم ماهی‌های دریاها نسبت به اهل علم طلب آمرزش می‌کنند زیرا راهی که علمای عامل می‌پیمایند راهی است که هم خود آنها و هم مخاطبین آنها را به بهشت هدایت می‌کند، در ادامه اهل علم را وارثین انبیاء معرفی می‌کند البته نه این که طلا و نقره به ارث ببرند بلکه علم و سیره‌ی پاک انبیاء مخصوصا نصیب أهل علم می‌شود، و به همین خاطر، کسی که از علماء پیروی کند خیر و برکت فراوان نصیب او خواهد شد.

\*«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام، قَالَ: «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.»[[6]](#footnote-6) دانشمندی که از علم او بهره برده می‎شود از هفتاد هزار عابد بهتر است.

بیان استاد: در این روایت تعبیر تساوی بین عالم و عابدی که شب و روز مشغول عبادت است به کار نرفته است بلکه تعبیر افضل به کار رفته است و یک عالمی که دیگران از علم او بهره می‌برند از هفتاد هزار عابد بهتر دانسته شده است.

 شاعری می‎گوید: الناس موتی و أهل العلم أحیاء- علی الهدی لمن استهدی أدل، یعنی مردمِ جاهل، مانند اموات هستند ولی این عالم است که در بین مردم زنده است عالمی که خودش در راه هدایت است و کسی که بخواهد راه هدایت بپیماید را نیز هدایت می‎کند.

\* «روي عن المقداد بن الأسود قال: سمعت رسول الله(ص) يقول: إنَّ الملائكة لتضع أجنحتها لطالب العلم حتى يطأ عليها رضاً به.»[[7]](#footnote-7)

بیان استاد: مقداد بن اسود کندی نقل می‌کند که از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: ملائکه الهی پر و بال خود را زیر پای طالب علم پهن می‌کنند تا قدم‌های خود را بر روی زمین نگذارند، و هدف این ملائکه از این عمل این است که خشنودی خود را از أهل علم ابراز دارند.

\* «روى صاحب كتاب منتقى البواقبت (مناقب) فيه مرفوعا الى محمد بن على بن الحسين بن زيد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب قال: حدثنى الرضا (ع) عن ابيه موسى بن جعفر عن ابيه جعفر عن ابيه محمد عن ابيه على بن الحسين عن ابيه ا لحسين عن ابيه امير المؤمنين عليهم السلام قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: طلب العلم فريضة على كل مسلم ومسلمة، فاطلبوا العلم من مظانه واقتبسوه من اهله فان تعليمه لله سبحانه حسنة، وطلبه عبادة والمذاكرة به تسبيح، والعمل به جهاد، وتعليمه من لا يعلمه صدقة، وبذله لاهله قربة الى الله تبارك وتعالى لانه من معالم الحلال والحرام، ومنار سبيل الجنة، وا لمونس في الوحشة، والصاحب في الغربة والوحدة، والمحدث في الخلوة، والدليل على السراء والضراء والسلاح على الاعداء والزين على (عند) الاخلاء، يرفع الله به اقواما فيجعلهم في الخير قادة يقتبس آثارهم، ويهتدى بفعالهم، وينتهى الى رأيهم، وترغب الملائكة في خلتهم، وباجنحتها تمسحهم، وفى صلاتهم تبارك عليهم، ويستغفر لهم كل رطب ويابس حتى حيتان البحر وهوامه، وسباع البر وانعامه، وان العلم حياة القلو ب من الجهل، وضياء الابصار من الظلمة، وقوة الابدان من الضعف يبلغ بالعبد منازل الاخيار، ومجالس الابرار، والدرجات العلى في الدنيا والاخرة...»[[8]](#footnote-8)

بیان استاد: در فرازی از این روایت که امام رضا(ع) به نقل از اجداد طاهرین‎شان از رسول خدا(ص) نقل می‌فرمایند که ملائکه دوست دارند با أهل علم أنس بگیرند و خود را به آنها نزدیک کنند و این چنین دوستی و محبت خود را به آنان ابراز دارند و حتی با بال‌های خودشان این اهل علم را در حال نماز مسح می‌کنند، و همه‌ی این عزّتی که علماء دارند مخصوص آن عالمی است که به علمش عمل بکند و نعوذ بالله اگر عالم بلاعمل شد نه تنها این احترام و محبت ملائکه را از دست می‎دهد بلکه در جایگاه بسیاری پست و ذلت باری قرار می‎گیرد.

\* «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسى، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسى، عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِي عَيَّاشٍ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهِلَالِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم أنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ: «الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ: رَجُلٌ عَالِمٌ آخِذٌ بِعِلْمِهِ، فَهذَا نَاجٍ، وَ عَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ، فَهذَا هَالِكٌ، وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذَّوْنَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ، وَإِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْداً إِلَى اللهِ، فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقَبِلَ مِنْهُ، فَأَطَاعَ اللهَ، فَأَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ، وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ، وَاتِّبَاعِهِ الْهَوى، وَطُولِ الْأَمَلِ، أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَطُولُ الْأَمَلِ يُنْسِي الْآخِرَةَ.»[[9]](#footnote-9)

«سليم گويد شنيدم امير المؤمنين را كه از رسول خدا(ص) خبر مي‌داد كه آن حضرت در سخنش مي‌فرمود مردم دانشمند دو قسمند: دانشمندى كه علم خود را بكار بسته و اين رستگار است و دانشمندى كه علمش را كنار گذاشته و اين هلاك شده است. همانا دوزخيان از بوى گند عالم بى‌عمل دراذيتند و ميان دوزخيان ندامت و حسرت آن كس سخت‌تر است كه در دنيا بنده‌اى را بسوى خدا خوانده و او پذيرفته و اطاعت خدا كرده و خدا به بهشتش در آورده است و خود دعوت‌كننده را بسبب عمل نكردن و پيروى هوس و درازى آرزويش بدوزخ درآورده است، پيروى هوس از حق جلوگيرد و درازى آرزو آخرت را از ياد برد.»[[10]](#footnote-10)

بیان استاد: راوی نقل می‎کند که خودم شنیدم امیرالمؤمنین(ع) در کوفه بالای منبر از رسول خدا(ص) نقل می‌فرمود که اهل علم دو دسته‌اند؛ دسته‌ای آنچه می‌دانستند را به کار برده‌اند و اهل بهشت و رضوان الهی شده‌اند و اهل نجات و رستگاری شده‌اند و دسته‌ای به علم خود عمل نکرده‌اند و به هلاکت رسیده‌اند و حضرت در ادامه می‌فرمایند که نه تنها علمای تارک عمل اهل جهنّم هستند بلکه به قدری پست و آلوده هستند که حتی سایر جهنمی‎ها از بوی متعفن عالم بی‌عمل اذیت می‌شوند و زبان به شکایت می‌گشایند.

آری همه‌ی جهنمی‌ها دچار ندامت و حسرت می‎شوند ولی حسرت و تأسف اهل علمی که تارک عمل بوده‌اند از همه بالاتر و درد آورتر است، همان عالمی که دیگران را به اطاعت خدا دعوت کرده است و آنها اطاعت خدا کرده‌اند و اهل بهشت شده‌اند ولی خود این عالم به گفته‌های خودش عمل نکرده است و از هوی و هوس و آرزوهای بی‌حد و حصر پیروی کرده است و به جهت فراموشی آخرت دچار عذاب ابدی شده است انصافا شرمندگی و حسرتی بالاتر از این نمی‌شود.

خاطره استاد: به خاطر دارم که مرحوم امام در جمع علماء که به نظر علمای خبرگان رهبری بودند این فرمایش را داشتند که ما علماء شرمندگی روز قیامت را چه کنیم! مردم به اعتبار این که ما را قبول دارند آنچه از مسائل شرعی و اخلاقی به آنها می‎گوییم این که دروغ نگویید غیبت نکنید همه را از ما قبول می‎کنند و به آن عمل می‌کنند و با عمل کردن به گفته‎ی ماها به بهشت می‎روند ولی چون خود ما به گفته‎هایمان عمل نمی‎کنیم به جهنّم می‎رویم، روز قیامت بهشتی‎ها و جهنّمی‎ها همدیگر را می‎بینند در آن روز چه شرمندگی دردآوری است که یک عالم ببیند آن کسانی که پای منبر او بودند و با احترام وتواضع با او برخورد می‌کردند به خاطر عمل به گفته‎های او بهشت رفته‌اند و این عالم بی‌عمل به گفته‌‎های خودش عمل نکرده و گرفتار آتش جهنّم شده است، مرحوم امام می‌فرمودند من از فکر چنین سرنوشتی گاهی شب‎ها به خواب نمی‌روم، به خدا پناه می‌آوریم از چنین شرمندگی رسوا کننده‌ای!.

بنا بر این برادران عزیز باید دقت کنیم که نکند عالم بلا‌عمل باشیم این مطلب باید خوب در ذهن ما باشد این مطلب تکرار توصیه‌های اخیر است و مطلب جدیدی نگفتم و این تکرار به جهت تأکید این توصیه‎هاست، این که امام صادق(ع) در تفسیر آیه ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾ می‌فرمایند مقصود خدای متعال از علمایی که در مقابل خداوند خاشع هستند علمایی است که عملشان تصدیق کننده‌ی گفتارشان است اما عالمی که در عمل هیچ توجهی به علمش ندارد و بر اساس هوا و هوس و تعصبات رفتار می‎کند چنین کسی را حقیقتا نمی‌توان عالم گفت و این آدم یک عالم نما است نه عالم و بدترین عقوبت‌ها و شرمندگی‎ها در انتظار چنین عالم نماهایی است، وقتی ما از طریق معارف دینی و رهنمودهای اهل بیت(ع) می‌دانیم که دروغ حرام است غیبت حرام است تعدّی به مال و عرض و آبروی مردم حرام است و خیلی مسائل دیگر را می‎دانیم که حرام و ممنوع است پس هرگز نباید خود را به این محرمات آلوده کنیم و خیلی مسائل است که می‌دانیم واجب است و باید به آنها عمل کنیم بدون تردید باید به آن عمل کنیم، اگر ما این روایت را مورد توجه قرار دهیم و در زندگی خودمان وارد کنیم مطمئنا در مسیری قرار می‌گیریم که تمام فضائلی که راجع به علماء گفته‌اند نصیب ما خواهد شد.

2. توصیه‌ی قرآنی به ذکر کثیر: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا - وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾[[11]](#footnote-11) «اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد! خدا را بسيار ياد كنيد- و صبح و شام او را تسبيح گوييد.»

بیان استاد: خداوند از بندگان خود این انتظار را دارد که ذکر کثیر داشته باشند یعنی صبح و شام به ذکر خدا مشغول باشند؛ لسان آنها مترنّم به یاد خدا باشد؛ عمل آنها یاد آور توجه به خدا باشد؛ در وقت فقر و غنی و مریضی، گفتار و رفتاری که شایسته‌ی بندگان خدا نیست از او سر نزند؛ در وقت پیروزی و خوشی و ثروت و سلامت دچار طغیان و ظلم نشود؛ بوی خدایی بودن در سراسر زندگی او استشمام شود.

 برای ما لازم است که در شبانه روز برنامه‎های ذکر مانند صلوات و تسبیح و تهلیل و دعا و قرائت قرآن برای خودمان داشته باشیم با این اوصاف چنین بنده‎ای ذکر کثیر خدای متعال را به جای آورده است همان طور که امام صادق(ع) در توصیف پدر بزرگوارشان امام باقر(ع) فرموده‎اند که حضرت در راه رفتن در خلوت و جلوت در کنار سفره‌ی غذا و در جمع دیگران و در هر حالی به یاد خدا بودند؛ راجع به همه‌ی ائمه معصومین(ع) وارد شده است که آن بزرگواران در همه حال به یاد خدا بودند و مثلا از امیرالمؤمنین(ع) و امام سجاد(ع) نقل شده است که این بزرگواران در شبانه روز هزار رکعت نماز بجای می‎آوردند و مدام به مناجات با خدای متعال مشغول بودند. از خدای متعال می‌خواهیم که توفیق ذکر کثیر به همه‌ی ما عنایت بفرماید!

ذکر مصیبت شهادت حضرت رقیه سلام الله علیها بنت الحسین(ع):

بنا بر آنچه در تقویم‎ها ثبت است این ایام سال‌گرد شهادت دختر سه ساله‌ی امام حسین(ع) در خرابه‌ی شام است دختری که وقتی در مقابل سر بریده‌ی پدر قرار می‌گیرد شروع می‌کند به درد دل کردن با پدر عزیزش که چطور دشمنان زن‌ها و بچه‌ها را در کربلا به اسارت کشیدند و تشنه و گرسنه شهر به شهر آنها را گرداندند و آنها را مورد اذیت و تحقیر قرار دادند و این که چطور حضرت زینب بدن خود را سپر دفاع از بچه‌های یتیمِ برادر، قرار داد که ضربات تازیانه و سنگ‌های پرتاب شده به آنها برخورد نکند، این تربیت حسین(ع) است که چنان دخترانی مانند فاطمه بنت الحسین را تربیت کرده است که در اوج شکنجه و تشنگی و گرسنگی و مصیبت می‎گوید: اُنظُر إلی رئوسنا المکشوفة یعنی: پدر جان ببین! چطور دشمنان چادرهایمان را از سرمان کشیدند!

دعای استاد:

خدایا به آبروی این دختر سه ساله؛ رقیه‌ی مظلومه؛ طفل یتیم حسین(ع) این بیماری منحوس کرونا را از تمام دنیا برطرف بفرما!

خدایا آن امنیت و آرامش و سلامتی سابق را به جمعیت ما برگردان!

خدایا بین ما و اهل بیت(ع) در دنیا و آخرت جدایی نیانداز!

خدایا توفیق عمل به آنچه می‎دانیم به ما عنایت فرما و ما را در این دنیا از علمای عامل قرار بده!

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. [سوره فاطر/آیه28](https://lib.eshia.ir/17001/1/437/28). [↑](#footnote-ref-1)
2. [مرآة العقول، علامه مجلسی، ج1، ص118، باب صفة العماء، ح2، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/%D8%A7%D9%84%D8%AD%D8%A7%D8%B1%D8%AB). [↑](#footnote-ref-2)
3. [مرآة العقول، علامة مجلسی، ج1، ص118، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/%D8%A7%D9%84%D8%AB%D8%A7%D9%86%D9%8A). [↑](#footnote-ref-3)
4. [کافی، شیخ کلینی، ج1، ص82، کتاب فضل العلم، باب4، حدیث1، دار الحدیث](https://lib.eshia.ir/27311/1/82/%D8%A7%D9%84%D9%92%D9%82%D9%8E%D8%AF%D9%91%D9%8E%D8%A7%D8%AD%D9%90). [↑](#footnote-ref-4)
5. [ترجمه اصول کافي شيخ کليني، مصطفوى، سيد جواد، ج1، ص42، کتابفروشی علمیه اسلامیه](https://lib.eshia.ir/12541/1/42/%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA). [↑](#footnote-ref-5)
6. [کافی، شيخ كليني، ج1، ص79، کتاب فضل العلم، باب2، ح9، دار الحدیث](https://lib.eshia.ir/27311/1/79/%D8%B3%D8%A8%D8%B9%DB%8C%D9%86). [↑](#footnote-ref-6)
7. [بحار الأنوار، علامة مجلسي، ج1، ص177، دارالاحیاء التراث](https://lib.eshia.ir/71860/1/177/%D9%84%D8%AA%D8%B6%D8%B9). [↑](#footnote-ref-7)
8. [عدة الداعي، ابن فهد الحلي، ج1، ص63، مكتبة الوجداني بقم](https://lib.eshia.ir/15201/1/63/%D8%A7%D9%84%D8%B1%D8%B6%D8%A7). [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، شيخ كليني، ج1، ص108،کتاب فضل العلم، باب13، ح1، دار الحدیث](https://lib.eshia.ir/27311/1/108/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%A1). [↑](#footnote-ref-9)
10. [ترجمه اصول کافي شيخ کليني، مصطفوى، سيد جواد، ج1، ص55، کتابفروشی علمیه اسلامیه](https://lib.eshia.ir/12541/1/55/%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85). [↑](#footnote-ref-10)
11. [سوره احزاب /آیه41-42](https://lib.eshia.ir/17001/1/423/41). [↑](#footnote-ref-11)